



رومیانہ یسا اسد

دغدغه های مشترک می رسند

و حفظ روابط با آمریکا و اسرائیل تعادل برقرار کند و میانه را بگیرد اما با ادامه جنگ غزه، ترکیه به موضعی ضداسرائیلی چرخید، سفیرش را فراخواند، پروازهای خطوط هوایی ترکی به فرودگاه های اسرائیل متوقف شدند و ادبیات تندى نیز علیه اقدامات اسرائیل اتخاذ شد که تنها مواضع ایران از آن شدیدتر بود.

تقسیم سوریه بین آنکارا و تل آویو

تندى کلام و توقف روابط اما در موضوع سوریه به کار نمی آید. نه اسرائیل و نه ترکیه نمی توانند بدون تعامل با یکدیگر کارشان را پیش ببرند. موضوع برای هر دو مهم است و اختلافات ظرفیت تشدید سریع تنش را دارند. هر دو طرف از نقش آفرینی جمهوری آذربایجان به عنوان واسطه سود می برند. ترکیه در جنگ ژوئن ۲۰۲۵ بین اسرائیل و ایران هم دخالتی نکرد جز اینکه خواستار همبستگی در سازمان همکاری اسلامی شود و حملات اسرائیل را به عنوان تروریسم دولتی محکوم کند. شواهدی هم نیست که ترکیه به آنچه ادعا می شد، حمایت باکو از اسرائیل در این جنگ است، واکنش منفی نشان داده باشد.

ترکیه و ایران منافع اساسی مشترکی، به خصوص در بخش انرژی دارند. ترکیه مشترک مهمی برای نفت ایران است و نیز گاز ترکمن که باید از ایران منتقل شود. هر دو در مسئله کردها دغدغه دارند و نسبت به اسرائیل، خصومت، گرچه ترکیه مراقب است از خط قرمزى رد نشود که او را در تقابل مستقیم با اسرائیل قرار دهد. از طرف دیگر، ایران و ترکیه در قفقاز و در شمال عراق و به شکل کلی تر در خاورمیانه، رقابت و نفوذ دارند. از این لحاظ، ضربات اسرائیل به ایران و بیرون ماندن تهران از سوریه، احتمالاً خوشایند ترکیه است.

وضعیت سوریه برای ترکیه و اسرائیل فرصت است اما به نظر می رسد، مزایا برای آنکارا بیشتر است. سوریه برای اسرائیل، بیشتر دردرسى است که باید مدیریت شود. از طرفی ممکن است دولت شکننده احمدالشرع دوباره با نیروی تندرو دیگری جایگزین شود

یا حتی نفوذ ایران احیا شود. از طرف دیگر ممکن است خود او با سابقه داعش و القاعده، پس از تجميع قدرت، دوباره به رویکردهای پیشین بازگردد. اسرائیل روزبه روز بیشتر نگران این است که محور شیعی ایران جای خود را به محور خطرناک تر سنی با حمایت ترکیه داده باشد. گزارش کمیته ناگل، کمیته دولتی اسرائیلی در سال ۲۰۲۴ در این زمینه، این نگرانی ها را نشان می دهد. رابطه محکم سوریه جدید با ترکیه هم می تواند ایجاد این تهدید سورى ترکی را تسريع کند. برخی بر این نظرنند که این گزارش، نشانه این است که اسرائیل در حال بررسی تقابل با ترکیه است، گرچه در خود اسرائیل این تفسیر اغراق آمیز خوانده شده. فعلاً اما حوزه های نفوذ دو طرف در سوریه تا حد زیادی از هم جداست و این فعلاً درگیری مستقیم را اجتناب پذیر می کند، لاقلاً در کوتاه مدت.

ترکیه و حاکمان جدید سوریه

اگر سوریه برای روسیه اهمیت راهبردی دارد، برای آمریکا و اروپا مشکلی است که باید مدیریت شود و برای اسرائیل و عراق دردسر است. برای ترکیه همه این هاست. از این ها مهم تر، سوریه به تاریخ امپراتوری عثمانی گره خورده است و نمادی قدرتمند در تخیل ملی ترکی است، به خصوص برای اردوغان؛ در عین حال، هیئت تحریرالشام اغلب به غلط صرف انیروی نیابتی ترکیه تفسیر می شود. حضور نظامی ترکیه در مانعت از نابودی پایگاه هیئت تحریرالشام در ادلب توسط رژیم اسد و شرکای روس اش، اهمیت داشت؛ اما شریک ار جح ترکیه در سوریه، در واقع رقیب هیئت تحریرالشام بود، یعنی «ارتش ملی سوریه» یا اس ان ای. این گروه، ائتلافی از گروه های شورشی بود که حمایت مستقیم ترکیه را داشت و هم برای مقابله با رژیم اسد از آن استفاده می شد و هم، مهم تر از آن، برای مقابله با قسدد. این گروه نقش فعال تری در عملیات نظامی ترکیه ایفا می کرد و این شامل همکاری در عملیات تهاجمی مشترک هم می شد. برعکس، دلیل رشد هیئت تحریرالشام تا حدی همین بود که نیروی نیابتی نبود و به جای آن، اولویت را به تجميع قدرت، حکمرانی محلی و حرفه ای سازی نظامی خود داده بود؛ اما پس از آن که هیئت تحریرالشام به قدرت رسید، ترکیه به عنوان مهم ترین شریک خارجی دولت جدید سوریه ظاهر شد. وزیر خارجه و رئیس دستگاه امنیتی ترکیه هم از اولین مقامات خارجی بودند که در دوران جدید به دمشق سفر کردند. اردوغان انگیزه های سیاسی آشکاری دارد که وقایع سوریه را از دریچه نئوعثمانی ببیند. او گاهی بابت قمارش در این زمینه، هزینه های سنگینی داده است، از احساسات فزاینده ضدسوری در سیاست داخلی سوریه که از موج مهاجران حاصل شد، تا آسیب به روابط با دول حاشیه خلیج[فارس] و فشار به روابط با واشنگتن؛ با این حال به نظر می رسد این قمار نتیجه داده است.

در عین حال، اگر ترکیه در سوریه بیش از حد قاطع باشد، در معرض این خطر قرار می گیرد هم با ملی گرایی سسوری و هم با نگرانی های اسرائیلی مواجه شود. فعلاً به نظر می رسد آنکارا به همین راضی است که با نفوذترین همسایه سوریه بماند، بی آن که سوریه را به کشوری تحت الحمايه تبدیل کند. به نظر می رسد بزرگترین تهدید برای نقش آینده ترکیه در سوریه، از خود الشرع و هیئت تحریرالشام ناشی شود. آیا الشرع می تواند دسته های افراطی تر را زیر چتر خود مهار کند و آیا اصلاً می خواهد چنین کند؟ دولت او در ماه مارس ناظر بر قتل عام ۱۵۰۰ علوی بود. خشونت ها از آن زمان متوقف شده اند اما تنش ها همچنان باقی هستند. آیا ممکن است قیامی منفرد از میان علویان، گروهی با حمایت ایران یا بازی خراب کن هایی سنی، دوباره آتش درگیری را شعله ور کنند؟

دولت جدید ضمناً باید دروزی ها، کردها، علوی ها و مسیحی ها را قانع کند که در آینده سوریه سهم دارند. آیا الشرع می تواند به لحاظ سیاسی دوام بیاورد؟ یا اصلاً به لحاظ جسمی؟ آیا دولت او می تواند شتاب حاصل از یکپارچگی دوباره حکمرانی در مناطق رفع تحریم ها را به سمت بازایی اقتصادی هدایت کند؟ توانایی دوام دولت جدید سوریه به محاسبات همه بازیگران منطقه شکل خواهد داد؟ این سؤالات فعلاً هنوز بی جواب هستند. دولت الشرع تا اینجاى کار از این بهره برده که به میزان گسترده ای، سقوط اسد احساس راحت شدن از دست او را ایجاد کرده است اما این سر خوشی فروکش خواهد کرد. اگر دولت جدید نتواند کار را تحویل دهد، ممکن است این هم با مقاومت مواجه شود.

یافتن زمینه های مشترک بین ترکیه و آمریکا

ایالات متحده و ترکیه هر دو در ثبات سوریه منفعت دارند. دولتی ضعیف و خشونت افکن، قطعاً تهدیدی برای امنیت ترکیه خواهد بود. افزایش نفوذ داعش در این کشور همین حالا هم این را نشان می دهد. چنین وضعیتی، سرمایه گذاری های

آمریکا در عراق را هم تهدید می کند، سرمایه گذاری هایی که تازه دارند نتیجه می دهند. به علاوه، سوریه ای درگیر خشونت و بی ثباتی، ممکن است به درگیری دیپلماتیک و حتی نظامی بین اسرائیل و ترکیه هم منجر شود. ایالات متحده و ترکیه هر دو علاقه دارند مسئله کردها در سوریه را حل کنند. اهداف ترکیه در طول زمان واضح و ثابت بوده اند، در راستای سرکوب تلاش های کردها برای خودمختاری در سوریه، تصمیم یک جانبه پک ک برای خلع سلاح خود و مذاکرات سوری کردی با دولت انتقالی دمشق ممکن است اضطراب ترکیه را در این زمینه تسکین داده باشد؛ گرچه هنوز معلوم نیست این مذاکرات تا چه حد برای ترکیه اطمینان بخش از کار درآید، چون توافقات، عدم تقارن قدرت بین دمشق و قسد را به نفع کردها نشان می دهد، اما در عین حال، خود این اتفاق نشانه ای است که کردها، رابطه با دولت سوریه را به رسمیت می شناسند. فعلاً، اسرائیل از موضع کنونی اش در لبنان و سوریه راضی است. عمق راهبردی اسرائیل، خارج از این صحنه، ناچیز بود اما با هزینه ای نسبتاً پایین، این عمق راهبردی تقویت شده است. اسرائیل در مثلث قلمرویی که رأس اش در جنوب دمشق است و قاعده اش بین جبل الشیخ و دریاچه جلیل، قدرت را در اختیار دارند. توانایی این را هم دارد که در دفاع از شهرهای دروزی در منطقه سویدا، سوریه، مداخله کند. به این ترتیب ارتش اسرائیل موضع مناسبی دارد که هم مانع گروه های مهاجم سنی شود و هم به اقدام احتمالی ایران و سلاح رساندنش به ناراضیان علوی واکنش نشان دهد. فعلاً به نظر می رسد ترکیه هیچ علاقه ای به سویدا ندارد و احتمالاً از حوزه نفوذ فعلی اسرائیل در سوریه احساس تهدید هم نمی کند. به لحاظ میدانی، توجه ترکیه به منطقه حائل بین مرز سوریه، اوتیان ام ۴ در شمال غرب سوریه و حلب باشد؛ از این رو، ترکیه آماده است درباره منافع دو طرف با اسرائیل به گفت وگو بنشینند. با این حال، اگر وقایع غزه یا افزایش دامنه نفوذ و دغدغه هر یک از دو طرف در سوریه، اصطکاک بین دو طرف افزایش یابد، ممکن است ایالات متحده لازم ببیند بین دو رقیب میانجیگری کند. تمایل و توانایی واشنگتن به انجام مؤثر این کار، زمینه اشتراک دیگری ایجاد خواهد کرد.

مسیر واشنگتن به آنکارا

در مجموع باید گفت، ایالات متحده و ترکیه، گرچه در ناتو متحدند، فاقد روابط فرهنگی، تاریخی یا مردم با مردم هستند. رابطه بین این دو را ملاحظات راهبردی و ترانکنشی شکل داده است. در این عرصه، موانع عمده برای همکاری از سر راه کنار رفته اند. مرگ فتح الله گولن در اکتبر ۲۰۲۴، ادامه خروج ایالات متحده از شمال شرق سوریه و تعهد انحلال پک ک، طبق ارزیابی های خود ترکیه، تهدیدهای مهمی را در عرصه امنیت ملی از پیش روی آنکارا برداشته است. این تغییر با خروج برخی از اعضای پرسروصدای منتقد ترکیه از کنگره آمریکا همراه شده است؛ اما سقوط رژیم اسد، پیامدهای مهمی برای منافع ترکیه دارد. منافع ایالات متحده در روابطش با ترکیه در خاورمیانه مشخص است، حتی اگر حیاتی نباشد. از نظرگاه راهبردی حفظ رابطه ای کارآمد با ترکیه برای ایالات متحده اساسی است تا بتواند بین ادامه حمایتش از شرکای گرد و نگرانی های ترکیه نسبت به آرزوی استقلال کردها، تعادل برقرار کند. رابطه دوجانبه محکم به واشنگتن اجازه می دهد، نگرانی های ترکیه را مدیریت کند، تنش ها را پایین بیاورد، ادغام کردها در سوریه متحد را پیش براند و در عراق هم نظام فدرالی را جلو ببرد که کارایی داشته باشد. پیشگیری از موج تازه مهاجران سوریه به ترکیه هم مهم است، چون چنین اتفاقی، نتهنها خود ترکیه، بلکه متحدان اروپایی را هم در معرض خطر از بین رفتن ثبات قرار می دهد. همچنین پیشگیری از درگیری علنی بین ترکیه و اسرائیل در سوریه نیز همچنان از دغدغه های کلیدی آمریکاست. تنش های روبه تشدید که ظرفیت خشونت را هم دارند، بین متحدان رسمی و غیررسمی آمریکا، مزاحمت خطرناکی برای دیگر چالش های دیپلماتیک واشنگتن ایجاد خواهد کرد؛ وضعیتی که درگیری های گسترده تر و تجزیه سوریه را هم در دیدرس قرار داده است. برای پیشبرد بیشتر اهداف خود در این زمینه، آمریکا باید: متوجه باشد که رهبران ترکیه، شمال عراق و سوریه را مسئله ای حیاتی برای امنیت ملی کشورشان می بینند، به وضوح خطوط قرمز خود را برای طرف مقابل مشخص کند و به حوزه های همکاری، از قبیل مقابله با داعش در عراق و سوریه پس اسلد اولویت دهد.

ترجمه: روح النخعی

سیاستمداران



تایوان مسئله ای داخلی است

سخنگوی وزارت امور خارجه چین امروز در واکنش به اظهارات رئیس جمهور آمریکامبنی بر منتفی بودن احتمال اقدام نظامی چین علیه تایوان برای تحت کنترل درآوردن این جزیره خودمختار، مسئله تایوان را امور داخلی چین دانسته و شیوه حل و فصل آن را منحصرأ مربوط به ملت چین دانست. وزارت امور خارجه چین دوشنبه در واکنش به اظهارات اخیر «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا مبنی بر اینکه «شی چین پینگ» همتای چینی اش به او گفته تا زمانی که ترامپ در کاخ سفید باشد، به تایوان حمله نخواهد کرد، گفت که موضوع تایوان یکی از مسائل داخلی چین است. ترامپ این اظهارات را در گفت وگویی با شبکه فاکس نیوز و پیش از مذاکراتش با «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه در آلاسکا مطرح کرد. طبق گزارش رویترز، «مائو نینگ» سخنگوی وزارت امور خارجه چین در نشست خبری در پاسخ به سوالی درباره این اظهارات ترامپ گفت که تایوان بخش جدایی ناپذیر قلمرو چین است.



مخالف انتخابات زودهنگام

روزنامه رژیم صهیونیستی نوشت که نخست وزیر این رژیم با وجود اینکه مخالف برگزاری انتخابات زودهنگام است اما در تلاش برای ایجاد حزب جدیدی جهت تقویت جناح خود تلاش می کند. روزنامه عبری «یدیعوت آحرانوت» دیروز دوشنبه به نقل از برخی منابع نوشت: نتانیاهو (نخست وزیر رژیم صهیونیستی) با وجود تلاش هایی که برای به تعویق انداختن انتخابات در پیش گرفته، خود را برای احتمال برگزاری انتخابات زودهنگام آماده می کند و به دنبال ایجاد حزب جدیدی با عضویت ایتامار بن گویر (وزیر امنیت داخلی این رژیم) و بتسلئیل اسموتریچ (وزیر دارایی این رژیم) در یک لیست است. این منابع اظهار کردند: نتانیاهو با انتخابات زودهنگام مخالف است اما بعد از انصراف احزاب حریدی از کابینه، تعداد نشست های او با این موضوع افزایش پیدا کرده است. منابع یادشده در ادامه گفتند: نتانیاهو به خوبی می داند که تلاش هایش برای حفظ ائتلاف حاکم بعد از اتمام تعطیلات کنست (پارلمان این رژیم) ممکن است بیپوده باشد.



دولت لبنان گام اول را برداشت

فرستاده آمریکا به لبنان در اظهاراتی مدعی شد خلع سلاح حزب الله به نفع لبنان، شیعیان آن و اسرائیل است. نشست میان «جوزف عون» رئیس جمهور لبنان و «توماس باراک» فرستاده آمریکا به لبنان و «مورگان اورنگاس» معاون فرستاده آمریکا به خاورمیانه در کاخ بعدا برگزار شد. باراک گفت: دیدار من با عون درباره تبریک به وی به خاطر گام های بزرگی است که اتخاذ کرده است. وی ادعا کرد: ما در هفته های آینده شاهد پیشرفت و زندگی بهتری برای ملت لبنان و کشورهای همجوار خواهیم بود. ما بعداً نقشه راهی را برای مذاکرات متفاوت میان لبنان و همسایگانش خواهیم داشت. طبق گزارش المیادین، وی گفت: تصمیم لبنان مستلزم همکاری از سوی اسرائیل است. دولت لبنان گام اول را برداشت و اکنون اسرائیل باید گامی بردارد. اقدامات بعدی شامل همکاری با دولت لبنان برای احیای توسعه و رشد و بررسی چگونگی همکاری اسرائیل و ایران در این راستا است.

نقدهای بی پایه: به رغم نکاتی که در بالا گفته شد، باید مرزبندی روشنی با

تندروها داشت. بیشترین هجوم به بیانه به درباره پیشنهاد عبور از حق غنی سازی است. گرچه نحوه طرح این مسئله در بیانه مورد نقد است، ولی مخالفت با چنین احتمالی جای تعجب دارد. غنی سازی برای ایران و بقای آن و رفاه مردم باید باشد و نه برعکس. بنابراین، پذیرش یا عدم پذیرش توقف غنی سازی نه یک امر غیر قابل بحث و خدشه پذیر بلکه یک تصمیم فنی در خدمت این اهداف است. اتفاقاً بیانه هم برای آن ماهه ازای رفع تحریم ها را طرح کرده است. ولی مسئله حیاتی این است که انجام و عدم انجام این کار را نمی توان در بیانه نوشت چون این یک امر فنی و سیاسی و کارشناسی باید شناخته شود. متأسفانه نویسندگان بیانه تصور روشنی از بازتاب و واکنش های سیاسی نوشتن چنین متنی نداشته اند.

مخاطب شناسی: مخاطب این بیانه نیز اهمیت دارد. اگر مردم را به سه گروه تقسیم کنیم، دو گروه از مردم، یعنی طرفداران ساختار و مخالفان

رادیکال آن از دو سوی گوناگون مخالف این بیانه و جبهه هستند. گروه سوم که خواهان تغییرات ملموس هستند نیز تحقق عملی مطالبه خود را در این بیانه نمی بینند. مسائل امروز جامعه ایران روشن است و بیش از آنکه نیازی به تکرار آنها باشد، نیاز مند رویکردها و ایده هایی برای حرکت به سوی حل آن مسائل است. بیان دردها موجب در مان نمی شود. ممکن است مصداق این اصطلاح مشهور شوند که: «آنچه قصدشان بود، محقق نشد؛ و آنچه محقق شد، قصدشان نبود». این بیانه مخاطبان همسو و امیسوار و کنشگر تولید نمی کند، و به نظر ما مخاطب مورد نظر را هم دور و ناامید می کند.

در مجموع بیانه جبهه اصلاحات بیش از آنکه نقشه راه باشد، بیان آرمان ها برای مخاطبان آینده است. اگر هدف این جبهه اصلاح درون سیستمی باشد، باید چند تغییر جدی در رویکرد خود ایجاد کند:

مرحله بندی مطالبات به جای فهرست بلند تغییرات بنیادین: چند مطالبه